

# زنان و کودکان لای چرخ دنده صنایع ماشینی

ف. م. جوانشیر

## فصل ششم - تولید اضافه ارزش نسبی

### پ - ماشینیسیم و صنعت بزرگ

در همکاری ساده و مانوفاکتور سرمایه داری هنوز از ابزار کار پیشه وری استفاده می شود. با آنکه تقسیم کار مانوفاکتوری امکان می دهد که این ابزار کار تکامل یابد، اما به هر صورت اساس آن همچنان در سطح ابزار پیشه وری باقی می ماند. در مرحله تکامل یافته مانوفاکتوری، در این عرصه انقلابی رخ می دهد. انقلاب صنعتی که در آن ماشین جای ابزار کار پیشه وری و عقب مانده را می گیرد و سرمایه داری به چنان نیروی مولده ای دست می یابد که آن را به طور کامل از پیشه وری جدا کرده و صنعت بزرگ را بنا می نهد. ماشین چیست؟ برخی ماشین را همان ابزار کار دستی می دانند که بغرنج تر است و برخی دیگر ماشین را افزاری می دانند که با نیروی محرکه غیرانسانی می گردد. اما این نوع تعریف ها این عیب بزرگ را دارد که از جریان واقعی تاریخی جداست. ابزار بغرنج تر از ابزار کاردستی و یا نیروی محرکه غیرانسانی از قرن ها و قرن ها قبل وجود داشته است. ماشین به معنای امروزی کلمه دستگاهی است که در لحظه تاریخ معین پدید آمد و سبب شد که تولید مانوفاکتوری (یعنی دستی) به تولید ماشینی و صنعت بزرگ بدل شود. ماشین در این معنای درست کلمه، عبارت از دستگاهی است که به جای دست انسان کار می کند. یعنی همان کاری را انجام می دهد که قبلاً "دست انسان انجام می داد. مثلاً" ماشین خیاطی واقعاً ماشین است، ولو این که آن را با دست بچرخانند. زیرا به جای دست انسان سوزن و نخ را حرکت می دهد و می دوزد و انسان به جای دوختن، فقط دسته ای را می چرخاند. ماشین بافندگی تریکوتاژ، ولو این که چرخاندن آن با دست باشد ماشین است. به این دلیل که به جای دست انسان می بافتد و انسان به جای بافتن، دسته ای را می چرخاند، که به آسانی می توان این کار را به یک نیروی محرکه غیرانسانی محول کرد.

به این ترتیب ماشین در معنای دقیق این کلمه که باعث انقلاب صنعتی شد و مانوفاکتور (صنایع دستی) را به ماشین و صنعت بزرگ بدل کرد، ماشین کار است که کار دست انسانی را انجام می دهد.

هنگامی که چنین ماشین هایی اختراع شد، بلافاصله این فکر پدید آمد که از نیروی محرکه دیگری غیر از انسان برای گردانیدن و به حرکت درآوردن ماشین استفاده شود. ابتدا از نیروهای طبیعی استفاده می شد، سپس با اختراع ماشین بخار تحول کیفی در این رشته پدید آمد. بعدها موتورهای درون سوز و الکتریکی اختراع شد که هر یک بارآوری کار را به طور جهشی بالا می برد. هر دستگاه محرکه (موتور) به وسیله یک دستگاه انتقال نظیر تسمه یا چرخ دنده (یا کوپلینگ) به ماشین کار وصل می شود.

بنابراین هر ماشین کامل مرکب از سه جزء اساسی است: دستگاه محرك (موتور) دستگاه انتقال نیروی محرکه و بالاخره افزار ماشین - یا ماشین کار، که بخش اخیر ماشین به معنای مستقیم کلمه است.

"سر آغاز هر تحولی است که موسسات پیشه وری یا مانوفاکتوری را مبدل به کارگاه ماشینی می کند"<sup>(۱)</sup>.

پیدایش ماشین و استفاده وسیع از آن نه تنها مانوفاکتورها و کارگاه های دستی را به صنعت ماشینی تبدیل کرد، بلکه در مجموع جامعه انقلابی بوجود آورد که انقلاب صنعتی نامیده شده است. صنعت بزرگ ماشینی در وضع طبقه کارگر و تشدید بهره کشی سرمایه داری از آن مرحله کیفی نوینی پدید آورد و در برچیدن بساط پیشه وری و صنایع دستی و تحول در تولید کشاورزی نقش انقلابی داشت. ما اینک هر يك از این مسائل را جداگانه بررسی می کنیم.

### انقلاب صنعتی

صنایع دستی مانوفاکتوری با آن که بارآوری کار را بسیار بالا برد نتوانست تولید اجتماعی را در مجموع خویش فرا گیرد. چنین کاری از عهده مانوفاکتور خارج بود. از زمانی که ماشین پدید آمد و به وسعت به کار گرفته شد سرمایه داری چنان اهرمی به دست آورد که توسط آن می توانست تولید اجتماعی را در مجموع خویش زیر سلطه گیرد و شیوه های تولید قبل از سرمایه داری را نابود سازد. پیدایش صنعت ماشینی، برخلاف مانوفاکتور، به معنای تغییر شیوه تولید در این یا آن رشته نیست، بلکه دگرگونی بنیادی در مجموع تولید اجتماعی است. انقلاب است، انقلابی که در تاریخ، انقلاب صنعتی نامیده شده ولی در واقع امر توأم با انقلاب مهم اجتماعی و استقرار حاکمیت سرمایه دار مجموع جامعه است. انقلاب صنعتی از پیدایش ماشین افزارها که جای انسان را می گیرند آغاز می شود. اینگونه ماشین ها را ابتدا در کارگاه های صنایع دستی مانوفاکتور می سازند. اما زمانی فرا می رسد که ماشین هایی برای ساختن ماشین، یعنی صنایع ماشین سازی، پدید می آید. همه رشته های صنعت و حمل و نقل را تحول فرا می گیرد. اقتصاد ماشینی بر تولید اجتماعی در مجموع خوش تسلط می یابد. درحالی که خود این اقتصاد زیرسلطه صاحبان سرمایه قرار دارد. انقلاب صنعتی از انگلستان آغاز شد و سرمایه داری را در این کشور مسلط ساخت. در فرانسه انقلاب صنعتی از آغاز قرن نوزدهم یعنی پس از انقلاب بزرگ بورژوازی جان گرفت و در آلمان از نیمه دوم قرن نوزدهم، به ویژه پس از اتحاد آلمان در سال ۱۸۷۱ به ثمر نشست. نوعی از "انقلاب صنعتی" هم اکنون در کشور ما و دیگر کشورهایی که راه رشد سرمایه داری را پیش گرفته اند در کار انجام است. ویژگی های آن را به جای خود بررسی خواهیم کرد.

### ۱- تاثیر صنعتی شدن سرمایه داری در وضع طبقه کارگر و تشدید بهره کشی از آن

#### الف) افزایش سریع بارآوری کار

ماشین و صنعت بزرگ بارآوری کار را به طور بی سابقه ای بالا می برد و به چنان سطحی می رساند که شیوه های ما قبل سرمایه داری و حتی مانوفاکتور سرمایه داری آن را به خواب هم نمی دیدند. اگر پیشه ور نخ ریسی می توانست تنها يك دوک را بچرخاند، نخستین ماشین های ریسندگی طوری است که يك کارگر تا ۵۰ دستگاه ریسندگی را با هزاران دوک به کار می اندازد.

صنعت بزرگ ماشینی، پهنه فراخ پایان ناپذیری در برابر افزایش بارآوری کار انسانی می گشاید. در فاصله ۲۳ سال (از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳) بارآوری کار صنایع در ایالات متحده آمریکا ۲/۳ بار، در انگلستان ۱/۹ بار، در فرانسه ۳/۳ بار افزایش یافته است.<sup>(۱)</sup>

(۱) مارکس و کاپیتال. جلد اول. ص ۳۵۰

چنانچه در صفحات پیش گفتیم وقتی مالکیت وسایل تولید در دست مشتی سرمایه دار بزرگ متمرکز است، تبعا نتایج حاصل از پیشرفت صنعتی نیز نصیب آن ها می شود. افزایش بارآوری کار در جامعه سرمایه داری سبب کاهش ارزش نیروی کار می شود که اضافه ارزشی نسبی- یعنی سهم سرمایه دار را از روزانه کار کارگر بالا می برد. موافق آمارهای موجود در سال ۱۹۵۵ در ایالات متحده آمریکا، کارگران تنها یک چهارم روزانه کار خویش را برای جبران دستمزد خود و سه چهارم آن را به رایگان برای سرمایه دار کار می کردند. در ژاپن این نسبت یک به پنج بود.<sup>(۱)</sup>

## ب - کار زنان و کودکان

تنها از طریق افزایش بارآوری کار نیست که **صنعت ماشینی** سرمایه داری موفق می شود اضافه ارزش نسبی فراوانی به دست آورد. یکی از نخستین تاثیرهای ماشینی شدن صنعت در سرمایه داری جلب تعداد زیادی از **زنان و کودکان** به کار در کارخانه هاست. صنعت ماشینی وظیفه ای را که به گردن کارگر جزء کار است بسیار ساده می کند. از کارگر مهارت و نیروی بدنی به مراتب کمتری طلب می شود. زمینه ای فراهم می آید که از زنان و کودکان به میزان وسیع و توده ای استفاده شود. در کشور ما می توان از صنعت دستی قالی بافی به عنوان نمونه یاد کرد. اما جلب توده وسیع میلیونی زنان و کودکان به کار در صنعت از نتایج مستقیم ماشینی شدن است.

در کشور ما موج اول و قابل ذکر صنعت ماشینی نوین در زمان رضا شاه و به خصوص در دهه ۱۹۲۰-۱۹۴۰ وارد شد. در این ایام تعداد زیادی کارخانه های نساجی پدید آمد که توده وسیعی از زنان و کودکان را به کار جلب کرد. در آستانه سوم شهریور ۱۳۲۰- اوت ۱۹۴۱ در صنعت ماشینی ایران ۴۵ هزار کارگر کار می کرد که ۱۳ هزار نفر آنها زن و کودک بودند از جمله از ۱۹ هزار کارگری که در کارخانه های نساجی قماش کار می کردند نزدیک ۸ هزار نفر زن و کودک بودند که بیش از ۴۰٪ کارگران را تشکیل می داد. در انتشارات تبلیغاتی هیئت حاکمه ایران، هر سال هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ (ژانویه ۱۹۳۶) را به عنوان روز کشف حجاب و آزادی زن ایرانی جشن می گیرند. ولی از انگیزه واقعی این اقدام حکومت رضاشاهی سخن نمی گویند. در آن موقع صنایع نو بنیاد ایران- به ویژه صنایع نساجی می خواست زنان را به کار جلب کند، ولی حجاب مانع بود. حکومت رضاشاهی این مانع را با کشف حجاب شکست. از آن پس زنان "آزادی" بیشتری یافتند که نیروی کار خود را بفروشنند. **کشف حجاب** رضاشاهی هیچ گونه تغییری در وضع حقوقی زن پدید نیاورد. زن همچنان اسیر ماند. او نصف آدم حساب می شد. از ارث پدري نصف سهم می برد و تبعا آسان بود تا نصف کارگر مرد به او دستمزد پرداخت.

صنعت ماشینی، علاوه بر این که زنان و کودکان را در خود صنعت به کار جلب می کند. زمینه مساعدی فراهم می آورد که در رشته های غیرماشینی صنعت یعنی در بخش مانوفاکتور نیز از نیروی کار زنان و کودکان به میزان وسیع تری استفاده شود.

موافق آمار رسمی در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) در کشور ما یک میلیون زن و بیش از ۷۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در رشته های مختلف کشاورزی، صنعت و خدمات مشغول به کار بوده اند. از آن جمله قریب ۵۰۰ هزار زن ۱۰ ساله به بالا در صنعت کار می کرد که ۴۵۰ هزار نفر آن ها به صنایع نساجی و بافندگی تعلق داشت. (در این رقم قالی بافان نیز به حساب آمده است) در آمار رسمی دولتی جمع کار زنان مزدور ۸۰۰ هزار نفر است که ۲۰۰ هزار

(۱) این آمارها از انیسکلوپی بزرگ شوروی گرفته شده است.

(۱) این آمارها از انیسکلوپی بزرگ شوروی گرفته شده است.

نفر آن‌ها مزدبگیر و قریب ۶۰۰ هزار نفر آن‌ها به عنوان کارکنان فامیلی- بی‌مزد به حساب آمده‌اند.<sup>(۱)</sup>

نتیجه این‌گونه استفاده وسیع از نیروی کار زنان و کودکان پایین آمدن ارزش نیروی کار است. وقتی اعضای خانواده کارگر به کار جلب می‌شوند دیگر نگهداری آنها در ارزش نیروی کار حساب نمی‌شود.

چنانکه می‌دانیم:

"ارزش نیروی کار نه تنها از روی زمان کاری که برای معاش انفرادی يك کارگر بزرگسال لازم است تعیین می‌شود، بلکه منوط به زمان کاری نیز هست که برای نگهداری خانواده کارگر ضرور است. با فرو ریختن تمام اعضای خانواده کارگری به بازار کار، ماشین، ارزش نیروی کار مرد را به مجموع خانواده اش تقسیم می‌کند"<sup>(۲)</sup>

قانون کار ایران نیز دستمزد کارگر را براساس حوائج ضرور برای نگهداری کارگر و زن و دو فرزند او تعیین می‌کند. اما وقتی زن و فرزندان کارگر نیز به بازار کار وارد می‌شوند این ماده قانون ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد. به هر کارگری حداقل دستمزدی را می‌دهند که برای نگهداری خود او لازم است. با این حساب که اعضای خانواده خرج را در خواهند آورد. از اینجاست که حداقل دستمزد کارگر که ظاهراً "برای نگهداری يك خانواده چهار نفری است از طرف مراجع رسمی ایران ۹ و ۱۰ تومان تعیین می‌شود. در حالی که بهای هر کیلو گوشت ۲۵ تومان است.

به عبارت دیگر سرمایه داران از طریق جلب زنان و کودکان به بازار کار، ارزش نیروی کار را پایین می‌آورند و متناسب با آن اضافه ارزش نسبی به دست می‌آورند. اما سرچشمه این اضافه ارزش بارآوری کار نیست، پرداخت نکردن ارزش واقعی نیروی کار است. تا وقتی مرد خانواده کار می‌کند برای تامین زندگی خانواده يك روزانه کار به سرمایه دار تحویل می‌داد. اما اکنون که سایر اعضای خانواده نیز کار می‌کنند، برای تامین زندگی همان خانواده چهار روزانه کار به سرمایه دار تحویل داده می‌شود.

"از این راه است که ماشین از آغاز امر با افزایش مصالح انسانی بهره‌کشی میدان استثمار سرمایه و در عین حال درجه بهره‌کشی را توسعه می‌دهد"<sup>(۱)</sup>

کارگران زنان و کودکان کارگر، درآمد مجموع خانواده را کمی بالا می‌برد. اما این اضافه درآمد معمولاً صرف هزینه اضافی می‌شود که به خانواده تحمیل شده است. زیرا زمانی که زنان کار می‌کنند اجباراً باید وظایف خانوادگی نظیر پرستاری از کودک، دوخت و دوز و حتی آشپزی را به دیگران محول کنند و از بازار بخرند.

البته جلب زنان به میدان فعالیت اقتصادی - اجتماعی به خودی خود نادرست نیست. گامی است به جلو و به همین دلیل جنبش کارگری از آزادی زن و گسترش فعالیت زنان پشتیبانی می‌کنند. اما در جامعه سرمایه داری چنان که گفتیم این گام به جلو نیز مانند هر گام دیگری - در عین حال گامی است به عقب در جهت تشدید بهره‌کشی از انسان زحمتکش و تنزل و انحطاط زنان، واداشتن کودکان نابالغ به کار، در واقع امر برده‌فروشی است، چرا که کودک نابالغ نمی‌تواند خود به میل خویش به کارخانه برود و قرارداد استخدام ببندد. کودکان نابالغ را پدران، مادران و قیم‌های آن‌ها به کارخانه تحویل می‌دهند. در اینجا دیگر سایه ای هم از آزادی انسان در فروش نیروی کار موجود نیست. سرمایه دار نمی‌تواند ادعا کند که قراردادی برابر حقوق با کودک منعقد کرده است.

(۱) سالنامه آماری ، ۱۳۵۱ ، ص ۸۱

(۲) کاپیتال. جلد اول. چاپ فارسی، ص ۳۶۸

(۱) کاپیتال. جلد اول. چاپ فارسی. ص ۳۶۸

کار زنان و کودکان نابالغ انحطاط اخلاقی عظیمی به بار می آورد که انگلس در اثر پرارزش خویش "وضع طبقه کارگر در انگلستان" به نحو درخشانی ترسیم کرده است. ما در کشور خویش می توانیم نمونه زنده این انحطاط اخلاقی و پژمرده شدن نیروی فکری و جسمی کودکان و از هم پاشیدن شیرازه زندگی عادی خانواده های کارگری را به چشم ببینیم. قانون کار ایران، کار کودکان کمتر از ۱۲ سال را منع می کند. اما در واقعیت امر صدها هزار کودک کمتر از ۱۲ سال و حتی کمتر از ده سال در کارگاه های سرمایه داری نوپا و عقب مانده ایران مشغول بکارند. یکی از دلایل اقتصادی مهم عدم توجه دولت به گسترش مدارس ابتدایی و تامین آموزش همگانی نیز همانا علاقمندی و نیاز این سرمایه داری عقب مانده به کار کودکان نابالغ است. به اصطلاح صنعت قالی بافی ایران اگر کار بی نهایت ارزان کودکان و زنان نباشد ورشکست خواهد شد. به این دلیل است که وقتی به علت فقدان معلم و کتاب، مدارس موجود هم تعطیل می شود و کودکان در کوچه ها سرگردان می شوند. آقای سرمایه دار به جای انتقاد از دولت و تاکید به ضرورت آموزش همگانی پیشنهاد می کند که کودکان دبستانی را به بهای ارزان به کارخانجات بفروشند. بنا به نوشته روزنامه کیهان در جلسه ای که در اطاق بازرگانی و صنایع اصفهان با حضور مسئولان و صاحبان صنایع تشکیل شد، مدیر کارخانه پروین اصفهان گفت:

"اکثر دانش آموزان دبستان ها و کلاس های دوره راهنمایی و دانشکده ها به دلیل کمبود محل و آموزگار و دلایل دیگر نصف روز به تحصیل اشتغال دارند و بیشتر اوقات آنان جدا از تحصیل و درس خواندن با بیکاری روبروست. جوانان نیروی قابل توجه انسانی هستند. به جاست که در جهت برخورداری کارخانجات از این نیروی عظیم انسانی اقدام شود." "این پیشنهاد به وسیله نامه ای توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان برای استاندار فرستاده شد<sup>(۱)</sup>"

راه توده ۱۹۳ ۰۸,۰۹,۲۰۰۸

(۱) روزنامه کیهان. ششم آبان ۱۳۵۵ (۲۸ اکتبر ۱۹۷۶) تکیه از ماست